



آموزه ۲: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در شعر

شعر و موسیقی هر دو برای برانگیختن حس و حال **عاطفی** به کار می‌روند. حالت‌هایی چون اندوه، شادی، امید و یأس، حیرت و تعجب، **نمودهای عاطفه** اند که شاعر می‌کوشد آنها را به دیگران انتقال دهد. اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر، عاطفه است.

۱- شعر و موسیقی هر دو برای برانگیختن حس و حال عاطفی به کار می‌روند.

۲- اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر چیست؟ عاطفه

شاعر برای انتقال عاطفه خود به دیگران از زبان کمک می‌گیرد و واژه‌هایی را بر می‌گزیند که با قرار گرفتن در کنار هم، آهنگی خاص را پدید آورند؛ بنابراین، وزن و آهنگ، به انتقال بهتر احساس و عاطفه کمک می‌کند.

۳- شاعر برای انتقال عاطفه خود به دیگران از چه چیزی کمک می‌گیرد؟ - زبان

۴- وزن و آهنگ، به انتقال بهتر احساس و عاطفه کمک می‌کند.

۵- تفاوت وزن و آهنگ در چیست؟ - وزن همان چینش هماهنگ هجاهای کوتاه و بلند است؛ اما آهنگ، بدیع لفظی است: آرایه‌هایی همچون جناس، واج‌آرایی، سجع ... دیگر اینکه وزن لازمه شعر است؛ ولی آهنگ الزامی نیست.

در نمونه زیر، وزن و آهنگ **کوبنده و کوتاه**، بار حماسی فضای شعر را غنی‌تر می‌سازد؛ یعنی وزن و آهنگ با محتوا هماهنگی کامل دارند:

خروش آمد و ناله کَرَنای / دم‌نای روپین و هندی دَرای

زمین آمد از سُم اسپان به جوش / به ابر اندر آمد فغان و خروش

چو برخاست از دشت گرد سپاه / کس آمد بِرِ رستم از دیدگاه

که آمد سپاهی چو کوه گران / همه رزمجویان کُندآوران

ز تیغ دلیران هوا شد بنفش / برفتند با کاویانی درفش

برآمد خروش سپاه از دو روی / جهان شد پر از مردم جنگجوی (شاهنامه، فردوسی)



خروش: فریاد / کرنا: نی جنگی / دم: صدای / نای: نی / رویین: ساخته شده از روی / درای: زنگ / فغان: فریاد / برخاست: بلند شد / دیدگاه:

دیده‌بانی / گران: سنگین، پروزن / کندآوران: پهلوان / تیغ: شمشیر / کاویانی: پادشاهی / درفش: پرچم

گوشزد: وزن بیت بالا ← «ت تن تن / ت تن تن / ت تن تن / ت تن تن» یا «دام دام / دام دام / دام دام / دام دام»

عوامل تأثیر گذار در وزن: نسبت هجای کوتاه و بلند / تعداد هجاهای هر پایه آوایی / تعداد پایه‌های آوایی

۶- وزن و آهنگ کدام بیت کوبنده و کوتاه است؟

۷- منظور از کوبنده و کوتاه چیست؟ - پایه آوایی کوتاه است. تعداد پایه‌های آوایی کم است. هجاهای کوتاه زیاد است.

درباره تأثیر وزن در شعر، می‌توان گفت پس از عاطفه مهم‌ترین و مؤثرترین عامل، «وزن» است. بدون وزن، کمتر می‌توان عواطف را برانگیخت؛ اصولاً انتظاری که آدمی از شعر دارد، این است که بتواند آن را زمزمه کند و علت اینکه شعر را بیشتر از نثر می‌خواند، همین شوق به زمزمه و آواز خوانی است. وزن در شعر، جنبه تزیینی ندارد؛ بلکه جزء طبیعت شعر است و برای نشان دادن عواطف، نمی‌توان از آن چشم پوشید.

۸- پس از عاطفه مهم‌ترین و مؤثرترین عامل، در شعرانگی شعر چیست؟ - وزن

۹- وزن در شعر، جنبه تزیینی ندارد؛ بلکه جزء طبیعت شعر است و برای نشان دادن عواطف، نمی‌توان از آن چشم پوشید.

چنان که گفتیم، وزن یکی از مهمترین ارکان شعر است و این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که گوش نوازی و خوش آهنگی چه تأثیری بر انسان دارد؛ حتی بیشتر کتابهای مقدس نیز از کشش و جاذبه آهنگ و کلام موزون، بهره گرفته اند.

در نمونه زیر، سعدی سخن خود را با وزن و آهنگی درآمیخته است که به آسانی، حالت شادی و نشاط درونی او را به خواننده منتقل می‌کند.

ما همه چشمیم و تو نور ای صنم / چشم بد از روی تو دور ای صنم

روی میوشان که بهشتی بود / هر که ببیند چو تو حور ای صنم

حور خطا گفتم اگر خواندمت / ترک ادب رفت و قصور ای صنم

تا به کرم خرده نگیری؛ که من / غایبم از ذوق حضور ای صنم

سعدی از این چشمه حیوان که خورد / سیر نگردهد به مرور ای صنم (سعدی)

صنم: بت / حور: حوری، زنان بهشتی / قصور: کوتاهی / خرده: عیب / ذوق: حضور: حاضر بودن

گوشزد: وزن بیت بالا ← «تن تن تن / تن تن تن / تن تن تن» یا «دام دام / دام دام / دام دام»

**۱۰- کدام بیت حالت شادی و نشاط درونی را به خواننده منتقل می‌کند؟**

وزن، ادراکی است که از احساس نظم حاصل می‌شود. وزن، امری حسّی است و بیرون از ذهن کسی که آن را در می‌یابد، وجود ندارد؛ وسیله ادراک وزن، حواس ما است؛ مثلاً چرخ‌ی که می‌گردد، حرکتی مداوم دارد، اما وزن ندارد. حال اگر نشانه‌ای در یک نقطه چرخ باشد که هنگام حرکت آن دیده شود، از دیدن بازگشت‌های پیاپی آن، ادراک وزن حاصل می‌شود.

همچنین گردش چرخ‌های دوچرخه هیچ نوع وزنی ندارد؛ اما از توجّه به حرکت پای دوچرخه سوار و بازگشت متوالی آن به نقطه پایین، وزنی ادراک می‌کنیم.

مولوی هم در نمونه زیر، از این ویژگی آوایی و تکرار منظم موسیقی به خوبی بهره گرفته است. تناسب و همسویی وزن و عاطفه، بر قدرت اثرگذاری این سروده، افزوده است:

مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم / دولت عشق آمد و من، دولت پاینده شدم

دیده سیر است مرا، جان دلیر است مرا / زهره شیر است مرا، زهره تابنده شدم

گفت که سرمست نه ای، رو که از این دست نه ای / رفتم و سرمست شدم وز طرب آکنده شدم

گفت که تو شمع شدی، قبله این جمع شدی / جمع نیم، شمع نیم، دود پراکنده شدم

گفت که شیخی و سری، پیشرو و راهبری / شیخ نیم، پیش نیم، امر تو را بنده شدم

شکر کند چرخ فلک، از ملک و مَلک و مَلک / کز کرم و بخشش او روشن و بخشنده شدم (غزلیات شمس، مولوی)

دولت: حکومت / پاینده: پایدار / زهره: جریّت، دلیری / زهره: ستاره ناهید / تابنده: تابان / سرمست: سرخوش؛ بانشاط، می‌زده / دست: صنف / طرب: شادی /

آکنده: پر / نیم: نیستم / سر: رئیس / پیشرو: پیشوا / راهبری: رهبر / چرخ: گردش / فلک: آسمان / مَلک: پادشاه / مَلک: سرزمین / مَلک: فرشته

گوشزد: وزن بیت بالا ← «تن ت تن / تن ت تن // تن ت تن / تن ت تن» یا «دام دا دام / دام دا دام // دام دا دام / دام دا دام»

«دام»

توجّه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود. تشخیص لحن مناسب هر متن، خواندن را دلنشین تر و درک محتوا را آسان تر می‌سازد.

۱۱- لحن چیست؟ - منظور ما از «لحن» فضا سازی در بافتار آوایی سخن است. لحن، گرفتن نبض متن است. لحن می‌تواند: حماسی، داستانی

- روایی، گفت و گو، طنز، میهنی، ستایشی، تعلیمی، تغزلی باشد.



خودارزیابی

۱) نمونه‌های زیر را بخوانید؛ آنها را از دید آهنگ و موسیقی با هم مقایسه کنید و تفاوت آنها را بیان کنید.

(الف)

ای ساریان آهسته ران کارام جانم می‌رود / وان دل که با خود داشتم با دلستانم می‌رود

محمل بدار ای ساریان، تندی مکن با کاروان / کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می‌رود (سعدی)

ساریان: اشتریان؛ شتردار / **دلستان:** دلبر / **محمل:** کجاوه

وزن: «تن تن ت تن / تن تن ت تن // تن تن ت تن / تن تن ت تن» یا «دام دام دا دام / دام دام دا دام / دام دام دا دام»

وزن شعر تا اندازه ای شاد و شادی انگیز است؛ شعر داری آهنگ درونی و قافیه میانی است؛ ولی درون مایه شعر غم انگیز است و درباره فراق یار سروده شده است؛ ازین رو وزن و درون مایه شعر با هم هماهنگی کامل ندارند.

(ب)

مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هر دم / جرس فریاد می‌دارد که بریندید محمل‌ها

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل / کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها (حافظ)

جانان: دلبر / **عیش:** خوشگذرانی / **دم:** لحظه / **جرس:** زنگ / **محمل:** کجاوه / **هایل:** ترس‌آور؛ هولناک / **سبکبار:** استعاره از بدون مسئولیت و به مقصد

رسیده

وزن: «ت تن تن تن / ت تن تن تن / ت تن تن تن // ت تن تن تن / ت تن تن تن» یا «دا دام دام دام / دا دام دام دام / دا دام دام دام»

درون مایه شعر درباره ترس و هراس از مراحل رهروی است و وزن و آهنگ شعر ملایم و همراه با کشش است.

(پ)

بیا تا همه دستِ نیکی بریم / جهانِ جهان را به بد نسپریم

نباشد همی نیک و بد پایدار / همان به که نیکی بود یادگار (فردوسی)



جهان: عالم / جهان: جهنده / سپردن: طی کردن / به: بهتر

وزن: «ت تن تن / ت تن تن / ت تن تن / ت تن تن» یا «دا دام دام / دا دام دام / دا دام دام / دا دام دام»

وزن و آهنگ کوبنده و کوتاه است و لحن آن حماسی و اندرزی است. درون مایه شعر «ناپایداری جهان و پایداری نیکی» است.

(ت)

ای مهر تو در دلها، وی مهر تو بر لبها / وی شور تو در سرها، وی سر تو در جانها

تا خار غم عشقت، آویخته در دامن / کوتاه نظری باشد، رفتن به گلستانها

گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید / چون عشق حرم باشد، سهل است بیابانها

گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقتش / می‌گویم و بعد از من، گویند به دورانها (سعدی)

مهر: عشق / **مهر:** / **شور:** شوق، هیجان / **سر:** راز / **طلب:** خواستن / **شاید:** شایسته است / **سهل:** آسان / **دوران:** روزگار

وزن: «ت تن تن / ت تن تن تن // تن تن تن / ت تن تن تن» یا «دا دام دا / دا دام دام // دام دام دا / دا دام دام دام»

وزن: هر مصراع به دو لخت می‌شود؛ ازین رو شعر شادی آور و رنگی است. در بیت نخست واژه‌ها آهنگین هستند. درون مایه شعر عشق و

شیفتگی به یار و دشواری‌های راه عشق است. لحن این شعر تغزلی و عاطفی است.

(۲) نمونه‌های زیر را بخوانید و درباره تفاوت عواطف و حسن و حال حاکم بر فضای شعر، گفت و گو کنید.

(الف)

ای نفس خرم باد صبا / از بر یار آمده ای، مَرَحبا

قافله شب، چه شنیدی ز صبح / مرغ سلیمان، چه خبر از سبا؟

بر سر خشم است هنوز آن حریف / یا سخنی می‌رود اندر رضا؟ (غزلیات، سعدی)

نفس: دم / **خرم:** سرسبز / **باد صبا:** / **بر:** / **مرحبا:** آفرین / **سبا:** نام یک شهر / **حریف:** / **رضا:** خرسندی

وزن: «تن ت تن / تن ت تن / تن ت تن» یا «دام دا دام / دام دا دام / دام دا دام»



تعداد هجاهای کوتاه آن بسیار است و تعداد پایه‌های آوایی کم است؛ ازین رو وزن شعر بسیار شادی آور و طرب انگیز است. درون مایه شعر خبری خوش از یار است؛ برای همین درون مایه شعر و وزن و آهنگ کاملاً همسو هستند. لحن این شعر تغزلی و عاشقانه است.

(ب)

زین درد، خون گریست سپهر و ستاره هم / خون گشت، قلب لعل و دل سنگ خاره هم

بر سر زدند از آلم زاده بتول / تنها همین نه مریم و هاجر، که ساره هم

بستند راه مهلت او از چهار سو / تنها نه راه مهلت او، راه چاره هم

کردند قتل عام به نوعی که شد قتیل / از کودکان آل نبی، شیرخواره هم

بر قتل شیر خواره نکردند اکتفا / تاراج برده اند ز کین، گاهواره هم

بر خور نشست از اثر نعل میخ کوب / تنها نه نقش ماه، که نقش ستاره هم

آن پیکر شریف چو بر روی خاک ماند / بر روی او پیاده گذشت و سواره هم

زین نظم، شد گشوده به رویم در آلم / بر قلب من نشست، ز مرهم، هزار هم (فدایی مازندرانی)

گریست: گریه کرد / سپهر: آسمان / لعل: سنگ قیمتی / سنگ خاره: سنگ پا / الم: درد / بتول: پاکدامن / قتیل: کشته / اکتفا: بسنده / کین: انتقام / گاهواره: گهواره / خور: خورشید

وزن: «تن تن ت / تن ت تن ت / تن تن ت / تن ت تن ت» یا «دام دام دا / دام دا دام دا / دام دام دا / دام دا دام»

وزن بسیار سنگین و غم انگیز است. درون مایه شعر نیز سوگواری برای جان باختن خاندان پیامبر است؛ ازین رو وزن و درون مایه هماهنگ هستند. آهنگ شعر نیز سنگین و اندوه آور است. لحن مناسب این شعر عاطفی و غم انگیز است.

(پ)

معضوقه بسامان شد، تا باد چنین بادا / کفرش همه ایمان شد، تا باد چنین بادا

ملکی که پریشان شد، از شومی شیطان شد / باز آن سلیمان شد، تا باد چنین بادا

یاری که دلم خستی، در بر رخ ما بستنی / غمخواره یاران شد، تا باد چنین بادا

زان خشم دروغینش، زان شیوه شیرینش / عالم شکرستان شد، تا باد چنین بادا

عید آمد و عید آمد، یاری که رمید آمد / عیدانه فراوان شد، تا باد چنین بادا (مولوی)



بسامان: سر و سامان گرفته/ **ملک:** فرمانروایی/ **آن:** مال / **خستن:** زخمی کرد / **شکرستان:** نیشکر زار/

وزن: « تن تن ت / ت تن تن // تن تن ت / ت تن تن تن » یا « دام دام دا / دام دام دام / دام دام دا / دام دام دام »

وزن: هر مصراع به دو لخت می‌شود؛ ازین رو شعر تند، شادی آور و رنگی است. بیت‌ها همه دارای ردیف طولانی هستند؛ برای همین آهنگ شعر را افزایش می‌دهند. درون مایه شعر عشق و شیفتگی به یار و وصال است. ازین رو کاملاً وزن و آهنگ و درون مایه شعر هماهنگ و همسازند و شور و شوق عارفانه را به خواننده منتقل می‌کنند. لحن این شعر نیز باید تغزلی و عاشقانه باشد.

(ت)

دیو پیش توست پیدا، زو حذر بایدت کرد / چند نالی تو چو دیوانه ز دیو ناپدید

چون نخواهی کت ز دیگر کس جگر خسته شود / دیگران را خیره خیره دل چرا باید خَلید

برگزین از کارها پاکیزگی و خوی نیک / کز همه دنیا گزین خلق دنیا این گزید

نیکخو گفته است یزدان، مر رسول خویش را / خوی نیک است ای برادر، گنج نیکی را کلید (ناصرخسرو)

حذر: پرهیز / **کت:** که تو / **خسته:** زخمی / **خیره خیره:** بیهوده / **خلیدن:** زخمی کردن / **گزین:** گزیده / **خلق:** مردم / **گزید:** انتخاب کرد / **نیک خو:** خوش اخلاق / **رسول:** پیامبر خدا /

وزن: « تن تن ت / تن تن ت / تن تن ت / تن تن ت // تن تن ت / تن تن تن تن » یا « دام دام دا / دام دام دام / دام دام دا / دام دام دام »

وزن بسیار سنگین و خشک است. هجاهای بلند آن زیاد است. سراینده در این سروده به خواننده پند می‌دهد؛ ازین رو وزن و درون مایه هماهنگ اند. آهنگ شعر نیز سنگین و رسمی است. لحن مناسب این شعر اندرزی و آموزشی است.